

علل روانشناختی اعمال خشونت در خانواده از دیدگاه کارشناسان

<http://www.irna.ir/fa/news>

از: ماهرخ غلامحسین پور

تحقیقات نشان داده است که در جوامع بدوی یا در جوامعی که قوانین عرفی آن حول

مستقر شده و منطق در آن کاربرد کمتری دارد، تنبیه سخت‌ترین و کم "محور" زور

هزینه‌ترین و در عین حال هم بدترین واکنش موجود است

خشونت" و "تنبیه" در خانواده گاهی تبلور ترس و دلهره است زیرا فرزندی که از

کودکی فقط آموخته‌اند که به همه درخواستهای موجود پاسخ "آری" بدهند و اگر

"نه" بگویند در معرض تنبیه قرار می‌گیرند، در بزرگسالی احتمال آنکه هرگاه "نه"

می‌شنوند، از ابزار خشونت استفاده کنند بیشتر است، همانطور که فرزندان

خانواده‌های پدرسالار، غالباً یا خشونت‌گرا هستند و یا از افسردگی رنج می‌برند

اگر می‌خواهیم جهانی صلح آمیز داشته باشیم باید در قدم نخست، با روش‌های خشونت آمیز در خانواده مبارزه کنیم، زیرا امروزه متداولترین خشونت موجود در سطح جوامع انسانی، خشونت در خانواده است

پدیده خشونت خانگی در کشور ما در قیاس با پاره‌ای از کشورها کمتر رخ می‌دهد اما به هر حال واقعیت تلخی است که وجود دارد و عواملی نظیر بی‌پناهی اعضای آزار دیده، ترس و شرم اعضای خانواده در بیان آزار، کاستی‌های قانونی، بی‌توجهی

نهادهای حمایتی و هزاران عامل دیگر در گسترش این امر دخیل است. این امر ضروری به نظر می‌رسد که با یک عزم ملی، علل گرایش به خشونت توسط کارشناسان بررسی شده و روشهای درمانی متناسب با آن به افکار عمومی ارائه شود

در این خصوص یک فوق تخصص روانکاوی با بررسی علل روانشناختی گرایش به خشونت اظهار داشت: گاهی خشونت توسط فرهنگ، تایید و یا تشویق می‌شود و حتی توسط خانواده به رسمیت شناخته شده و یک رفتار نرمال تلقی می‌شود

دکتر "تورج مرادی" افزود: روانکاوان معتقدند هنگامی که نمی‌توانیم حرفمان را به

کرسی بنشانیم توسط خشونت آن را اعمال می‌کنیم و این به معنای آن است که

کسی که اقتدار درونی‌اش از بین رفته یا کم رنگ شده است ناچار است توسط

خشونت خواسته‌اش را محقق کند

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: وقتی احترام به خود را یاد نگرفته‌ایم و از کودکی با

احساس تحقیر زندگی کرده‌ایم به دیگران نیز طبعاً احترام نمی‌گذاریم و این

بی‌احترامی را بر فردی که از خودمان ضعیف تر است مثل کودکان اعمال می‌کنیم

وی ادامه داد: این بی‌احترامی مثل یک عقده سرکوفته‌ی حل نشده در درون فرد باقی

می‌ماند و هنگامی که فرد توسط عوامل بیرونی تحریک می‌شود آن را به شکل

پرخاشگری و خشونت بیرون می‌ریزد

این محقق با اشاره به این که وقتی انسان قادر نباشد بر محیط کنترل داشته باشد این

عدم کنترل را دلیل ضعف و ناتوانی خود تلقی می‌کند گفت: در چنین شرایطی فرد

بیمار فکر می کند که دوست داشتنی نیست و غیرقابل احترام است و در چنین حالتی

حتی احساس شرم نهفته در درون آدمی افزایش می یابد

وی ادامه داد: در چنین شرایطی است که تخلیه کردن احساس شرم بوسیله کتک

زدن و تحقیر کردن کسی که ما را خشمگین کرده است، فوق العاده ارضاکننده و

تخلیه کننده است لذا این تجربه به کرات تکرار می شود

مرادی تصریح کرد: هنگامی که کودک کتک می خورد به تنها چیزی که نمی اندیشد

کار اشتباهی است که انجام داده است و اصلا به دلیلی که پدر و مادر به خاطر آن وی

را کتک زده اند فکر نمی کند بلکه تنها چیزی که کودک در آن شرایط به آن

می اندیشد آن است که مورد توهین و تحقیر قرار گرفته است

وی خشونت اعمال شده توسط والدین را مهمترین عامل از بین رفتن اعتماد و

صمیمیت در خانواده عنوان کرد

این متخصص، اضطراب، ترس از جدایی، شب ادراری و وجود علائم روان تنی را از

جمله **تاثیرات کوتاه مدت** خشونت نسبت به کودکان دانست

وی تاکید کرد: آن چه اهمیت بیشتری دارد **اثرات درازمدت** خشونت بر کودک است

، اعتماد بنفس پایین و احساس شرم از مهمترین این تاثیرات است و چنین کودکی در

بزرگسالی تبدیل به یک والد مهاجم، خشن و آزاردهنده شده و کودک خود را مورد

آسیب قرار می دهد

خشونت یک : در همین راستا دکتر "علی نجفی توانا" متخصص جرم شناسی گفت

نوع پاسخ اعتراض آمیز است که فرد نسبت به فشارهای درونی و بیرونی که به وی

تحمیل شده است، می دهد

وی افزود: فرد بوسیله اعمال خشونت، واکنش قهرآمیز خود را به عوامل ناخوشایندی

که وی را تحت فشار قرار داده اند، ارائه می کند

این استاد دانشگاه تصریح کرد: قربانیان خشونت نیز خودشان در اعمال خشونت نقش

مهمی را ایفاء می کنند زیرا سکوت بزه دیدگان در مقابل خشونت موجب بروز مجدد

آن خواهد شد

وی افزود: اگر در خانواده، گفتمان منطقی حاکم باشد می توان بحرانهای گوناگون را

مدیریت کرد اما هر جا که ما روشهای آموزشی، تربیتی، علمی و ساز و کارهای

منطقی برای مهار اختلافات خانوادگی نداشته باشیم خشونت تنها راه چاره تلقی

می شود

نجفی توانا در خصوص **شناخت علل اعمال خشونت** در خانواده گفت: علل اجتماعی،

فرهنگی و روانی از جمله مهمترین علل ایجاد خشونت است، مشاهده فیلمهای

سراسر خشونت به کودکانمان می آموزد که می توان از طریق اعمال این رفتار های

خشونت آمیز به مقصود رسید

وی بیان داشت: گاهی خشونت می تواند علل روانی داشته باشد و نشانگر ترس و دلهره

فرد از یک عامل بیرونی باشد زیرا بسیاری مواقع شخص به علت ترس و دلهره از یک

عامل دیگر دست به خشونت می زند

این جرم شناس ، استرس ، دلوپسی ، نگرانی و افسردگی را از نتایج اعمال خشونت

عنوان کرد و افزود: هر چه درجه جامعه پذیر شدن افراد بیشتر باشد به همان نسبت

نیز نظم ، قانون پذیری و خشونت گریزی بیشتر می شود

وی یادآور شد: خشونت معمولا وقتی میان افراد ابراز می شود که فرد تهدیدی را

احساس می کند و در پاسخ به آن احساس تهدید ، رفتار پرخاشگرانه از خود بروز

می دهد

وی در پاسخ به این سوال که "چه خانواده هایی مستعد بروز رفتار پرخاشگرانه در کودک

هستند؟" گفت: شیوع تعارض خانوادگی ، عدم صمیمیت مابین پدر و مادر ، زد و

خورد ، خانواده از هم گسیخته ، طلاق و فرزندانی که توسط تک والد نگهداری می شوند ، می توانند فضا را برای پرخاشگری کودکان فراهم کنند

وی همچنین وجود پدر و مادرانی که دچار بیماری بوده و یا به مصرف مواد مخدر یا

الکل مبتلا هستند و یا مشکلات شخصیتی دارند را از جمله عوامل ایجاد رفتار

پرخاشگرانه در کودک عنوان کرد

نجفی توانا به این نکته اشاره کرد که کودک بیشترین آموزه های خود را نه از طریق

توصیه های کلامی بلکه از طریق مشاهداتش بدست می آورد و الگو می گیرد

این جرم شناس افزود: کودک از والدینش می آموزد که چگونه رفتار کند، پدر و مادری

که خودشان درگیر پرخاشگری کلامی هستند به کودکشان این پیام را منتقل

می کنند که " اگر کسی کاری انجام داد که خوشایند تو نبود می توانی بر سر او داد زده

"! یا به او ضربه بزنی

وی در پایان یادآور شد: ما معمولاً کودکان را وقتی تنبیه می کنیم که کاری مخالف

میل ما انجام داده است ، ما از کار او خوشحال نیستیم و به او این پیام را می دهیم که

اگر از کسی خوشحال نبودی می توانی او را بزنی و کودک پیام ما را دریافت کرده و

تقلید می کند